

و بموجب همین روایت مذهبی درین روز آنحضرت (علی ع) بامر پیغمبر ص بودی جنیان رفت و از ایشان بیعت گرفت، و بعد از کشته شدن عثمان خلافت امیرمؤمنان ع در اینروز مستقر گردید، و جنگ نهر روان در اینروز اتفاق افتاد، و ذوالثدیبه که سر کرده خارجیان نهر روان بود بدست آنحضرت بجهنم واصل گردید. و قائم آل محمد ص در این روز ظهور خواهد نمود و ائمه نیز در اینروز رجعت خواهند فرمود، و در اینروز قائم ما بردجال ظفر خواهد یافت و این روز روز فرج ماست ما انتظار فرج را درروز نوروز می-کشیم و روز نوروز عید ما و شیعیان ماست و اولسال عجم است. عجمان حرمت آنرا شناختند و شاعران آنرا ضایع نمودید ای معلی قسم بخانه کعبه که تعظیم عجمان اینروز را نیست مگر برای امر قدیمی که بیان آنرا نمایم و آن اینست که در این روز خدا زنده گردانید چندین هزار کس که از طاعون گریختند و همه بیکدفعه مردند، و بعد از آنکه استخوانهای ایشان پوسیده شده بود پیغمبری بر ایشان گذشت و از خدا سوال کرد که ایشانرا زنده گرداند بآن پیغمبر خطاب در رسید که بآن استخوانها آب پاشید تا زنده شدند و بذا جهت درین روز غسل و آب بر خود پاشیدن مستحب گردید و گفته اند که آن پیغمبر حزقیل بود، و آن مردگان سی هزار کس بودند و سی و پنج هزار در جواب و سوال حضرت امیر با جاثلیق نیز وارد است. مسأله عید آب پاشان که در

نوروز فروردین

منشاء يك تحول

عظیم در تاریخ

بشر و خلقت

جهان

۲

بعضی فرق نصاری در مقارن این احوال واقع میشود بسیار قابل توجه است - و نیز فضائلی را که برای آب نیسان که در همین اوان می بارد با این تعلیم و اعتقاد هماهنگی خاصی دارد. چه بموجب روایات اگر کسی آب باران نیسان با شراطی که ذکر شده بپاشد هر در در را شفا دهد و جلوگیری از دردهای آینده میکند و از چشم درد و دندان درد و قولنج و درد معده و پیسی و دیوانگی و زکام و وسوس شیطان مصون باشد و دلش را حق از نور مملو سازد و الهام در دلش وارد گردد

وحکمت برزبانش جاری شود و کبر و بخل و حرص و غضب از دلش بیرون رود و دشمنی با کسی نکند و بدکسی را نکوید و قدم را در راه راست ثابت گرداند.

پس آنحضرت بمعلی فرمودند که در روز نوروز غسل بکن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بهترین بویهای خوش را استعمال کن و در آن روز روزه بگیر و بعد از فراغ از نماز ظهر و عصر و نافله های آن چهار رکعت نماز کن و آداب آن در حدود ۴ صفحه بزرگ از این کتاب دعای عجیب که گنجینه بی منتهائی است، وجود دارد. (۱)

در یسنا ص ۲۶ فقره ۱۱ آمده است، ما می ستائیم همه فرورهای پاکان را ، ما می ستائیم روانهای درگذشتگانرا - و همین عبارت غالباً در اوستا تکرار شده است (۲) . و منظور از فرور حقیقتی است فوق روان و آن جوهری است که روان پس از مرگ بآن ملحق میشود . - و جشن فروردین اوقات نزول فرورهاست، از آسمان برای دیدن بازماندگان نظیر این جشن در سایر ادیان قدیم و جدید نیز موجود است و آنرا عید اموات گویند . در نزد هندوان نیز ستایش نیاگان «پیتارا» شباهتی بفروردگان ایرانی دارد، رومی ها نیز ارواح مردگانرا با اسم مانس (۴) پروردگاران را تصور کرده فدییه تقدیم آنها میکردند ، و عقیده داشتند که روح پس از بخاک سپرده شدن بدن بیک مقام عالی میرسد . هر چند که معمولاً آرامگاه آن در داخل زمین است . ولی قادر است که در روی زمین نفوذ و تسلطی داشته باشد بواسطه فدییه و قربانی توجه او را از عالم زیرین بسوی خود می کشیدند . در ماه فوریه عیدی برای مردگان میگرفتند و فدییه و هدیه نیازمینمودند . (۵)

اما از نظر آئین مزدیسنا اوقات خلقت بشر «گنهبار» نامیده میشود . همانطوریکه در تورات در سفر پیدایش در باب اول آمده است، که خداوند در مدت شش روز آسمانها و زمین و روشنائی و آب و گیاه و خورشید و ماه و ستارگان و جانوران و انسان را بیافرید . و در هفتمین روز بیاسود در سنت مزدیسنان نیز اهورامزدا جهان را در شش بار بیافرید . اما نه مانند عقیده ی یهود در یک هفته بلکه در مدت یکسال .

در فصل ۲۵ بند هشتن آمده است که «اهورامزدا میگوید، که خلقت عالم در ۳۶۵ بتوسط من انجام گرفت . و شش جشن گنهبار در هر سال قرارداد شده است، جشن فروردین آخرین گنهبارها شناخته شده است .
اپوریحان بیرونی نیز درباره این جشن آخرین گنهبار سال مینویسد :
«که این عید ده روز طول می کشیده آخرین پنج روزه اسفندماه را نخستین فروردگان، و پنجه و ه (خمسه مسترقه) را دومین فروردگان میگفته اند .

۱- از ص ۲۰۰ تا ۲۲۲ منهاج السالکین از کتب ادعیه

۲- ص ۵۹۳ یشتهها جلد اول استاد پور داود .

۳- pitara (= پدران) .

۴- manes .

۵- Otto Seemann, Mythologie der Griechen und -

بنقل از ص ۵۹۳- یشتهها استاد پور داود . Römer Leipzig 1910 S 179

ودامستتر در جلد دوم زنده اوستای (۱) خود می گوید. خسرو انوشیروان در مدت ده روز جشن فروردگان سفیر امپراطور روم (ژوستین Justin) را نپذیرفت. چه مشغول بجای آوردن اعمال عید بود.

امروز زرتشتیان مانند پارینه ده روز آخر سال را فروردیان خوانده تشریفات مذهبی بجای میآورند، عموماً در ایران آغاز سال نو روزی که خورشید داخل برج یره میشود. جشن فروردین گرفته میشود (۲)

اختصاراً بذکر تفصیل پنج گهنبار دیگر نپرداختیم (۳) و ششمین گهنبار اهرمس یث میدیا یا اهرمس یث میدما (۴) این جشن در آخرین روز کبیسه سال که « وهشتواشت » می نامند واقع میشود، بموجب روایات سنت زردشتی در این روز انسان آفریده شد. معنی لفظی همسپتمدم درست معلوم نیست، مستشرقین آنرا بطور یقین معنی نکسرده اند، نریوسنگ آن را در سانسکریت به «خلقت همه گروهان» ترجمه کرده و دانشمند دیگر پارسی گانکا آنرا بمعنی «اعتدال و مساوات میان گرمی و سردی و تقسیم مدت ۲۴ ساعت شبانروز بدو قسمت مساوی یا مساوی شدن روز و شب گرفته (۵).

ترتیب گهنبارها را اینگونه ذکر کرده اند :

نخستین	در چهل و پنجمین روز سال	۴۵	معادل با روز خلقت آسمان در اردیبهشت
دومین	در صد و پنجمین روز	۱۰۵	آب درین روز وجود یافت در تیرماه
سومین	در صد و هشتادمین روز	۱۸۰	زمین آفریده شد در شهریورماه
چهارمین	در دوست و دهمین روز	۲۱۰	گیاه خلق شد در مهرماه
پنجمین	در دوست و نودمین روز	۲۹۰	با آفرینش جانور داده شد در دیماه
ششمین	در سیصد و شصت و پنجمین روز	۳۶۵	انسان آفریده شد در فروردینماه

پس اینجا بموجب روایت زردشتی در ششمین گهنبار که مصادف با جشن فروردین است اصولاً روز پیدایش انسان و یا آغاز زندگی بشر است.

اینجا نیز روح جهانی ایران بصورتی خاص جلوه گر میشود. و این روح جهانی درساز ادب ایران بنحوی خاص جلوه گراست (۶)

۱- Darmesteter, Le Zend Avesta, vol II, P. 503

۲- ص ۵۹۶ یشتها جلد اول استاد پورداود.

۳- نخستین گهنبار میدیوزرم در اردیبهشت دومین گهنبار میدیوشهم در تیرماه سومین گهنبار پتیهشهم در شهریورماه چهارمین یا سرم در مهرماه پنجمین میدیارم در دیماه ششمین همسپتمدم رجوع شود بص ۵۹۴ تا ۵۹۵ یشتها جلد اول استاد پورداود.

۴- رجوع شود بفرهنگ لغات اوستا ص ۶۳۵ در یشتها جلد اول

۵- K.E Kanga Avesta Dictronav

۶- مقدمه ص IV The Legaey of Persia A. J. ARBERRY

از اینروست که در ایران درین جشن خانه‌ها را می‌آرایند همه جا را پاک می‌کنند، رخت نومی پوشند، بوی خوش بخود میدهند، گل و شیرینی و شربت می‌نهند، دعا می‌کنند و نماز می‌گذارند. در خوانچه‌ای هفت چیز که اسمشان با حروف سین شروع باشد مثل سیم و سیب و سنجد و غیره می‌گذارند. (۱)

نکته‌ی قابل توجه درین جاست که این روز با آغاز همه گونه شادی است چرا باید با هفت سین شروع شود نه با هفت شین چنانچه در آداب نوروز در نظر شیعه ذکر کردیم با هفت سلام که از قرآن کریم گرفته شده سلامتی را در طول سال تامین می‌کنند ولی بعید نیست روی قاعده ابدال شین بسین در عربی از فارسی مانند بنفَسج (= بنفشه) نیسا بور (= نیشابور) در اصل ایرانی هفت شین بوده است و این شعر را پس بر این معنی یاد می‌کنند.

عید نوروز از زمان کیان می‌نهادند مردم ایران
شهد و شیر و شراب و شکر ناب شمع و شمشاد و شایه اندر خوان

و شایه در برهان قاطع بمعنی میوه باشد و بعربی ثمر خوانند.

شعر معلوم نشد از کیست ولی در هر صورت استادانه است و گذشته ازین مادر کنار هفت سین که از هفت چیز شروع شده بسین ترکیب می‌شود معمولا شمع و نقل که همان شیرینی است و پرتقال و سیب که همان شایه است و پول سفید که شاهی است می‌گذاریم. و شاید در بعضی از منازل نانی که بر آن شاهدانه پاشیده باشند محض شکون می‌نهند. و این اشیاء حدس ما را به هفت شین بودن هفت سین تأیید می‌کند و بهر صورت موضوع قابل تحقیق بیشتری است. و ظاهراً دور از ذوق ایرانی است که در روز نشاط و شادمانی همگانی سرکه و سیر و سنجد و سماق را بر شهد و شمع و شراب و شمشاد و امثال آن مرجح دانند ولی گذشته از هفت سین یا هفت شین که اصولاً از مقدس بودن عدد هفت باعتبار هفت امشاسپند و یا بزرگترین فرشتگان مردیستنا می‌باشد یا باعتبار مذهبی دیگر این مراسم یادگاری از یکدوران بسیار طولانی و علت آن نهفته در ژرفای تاریخ بشری است.

محرم نامه و نوروز نامه

گویا اینکه محرم آغاز سال از نظر اسلامی و نزد عرب است. شیعه، نوروز را آغاز سال دانسته‌اند بطوریکه از مجاسی نقل شده است و در مقدمه بعضی قرآنها نیز مینویسد.
«بدانکه نوروز تحویل آفتاب است در محاذی برج حمل و اول بهار است. و ابتدای خوشی است و احادیث در فضیلت این روز بسیار وارد شده»

در همین قرآنها احکامی درباره نوروز و درباره محرم هر دو نقل میکنند، ولی از نظر بعضی از محققین این روایات سندیت ندارد. (۲) بعلا اینکه تحویل آفتاب ببرج حمل در نقاط مختلف زمین و در افاق‌های مختلف متفاوت است (۳)

۱- ص ۵۹۷ جلد اول یشتها استاد پورداود.

۲- ص ۱۹ و ص ۲۰ احکام نوروز عجم منقول از چهل فصل علامه و احکام محرم منقول در چهل فصل علامه مجاسی قرآن اعتماد السلطنه محمد حسن خان چاپ کتابخانه علمی.

۳- سخنرانی آقای راشد در شب جمعه ۹ اسفند ۴۲ برابر ۱۴ شوال ۱۳۸۳

جمشید و نورز

بطوریکه میدانیم گذشته از ارتباط نوروز با فروردین، نوروز با جمشید، بموجب روایت شاهنامه که شمه‌ئی از آن ذکر شد رابطه‌ای خاص دارد. بطوریکه بآن نوروز جمشیدی گویند البته داستان جمشید در روایات هندی نسبت بروایت شاهنامه مختصر تفاوتی دارد. اما چنانکه از تحقیقات بیشتری برمی‌آید، او تنها یکی از پهلوانان و قهرمانان اساطیری و ملی ایرانیان نیست بلکه متعلق بقوم هند و ایرانی است.

در اوستا نیز از جم سخن رفته، در قدیمیترین قسمت اوستا، که گاتها باشد پینمبر ایران اورا در بسنا ۷۲ قطعه (۸) از مجرمین نامیده (۱)

در جای دیگر اوستا، اورا مهیای آموختن دین مزدا دانسته (۲)

چنانکه مشاهده میشود توافقی بین شاهنامه و اوستا درباره جمشید موجود است و آن موافقت دو گونه بودن ذکر جمشید است که مدتی مطیع اهورامزدا بوده و بمقامات عالی روحی و انسانی عروج کرده و سپس بر اثر خودبینی از آن مقام سقوط کرده است.

در فرکرد بیستم از کتاب دینکرد کتاب ۹ فصل ۲۱ آمده است که یم (= جم) از جهان نیازمندی و پریشانی و گرسنگی و تشنگی و پیری و مرگ و زاری و اشک و سرما و گرمای شدیدی که در آن دیوان با آدمیان آمیخته شوند، همه را بر انداخت و نیز چنین آمده است که یم برای آدمیان هر چه را خوب و دلپسند بود، مهیا ساخت و میکوشید که همه از او خشنود باشند. (۳)

در مینوک خرد نیز جم و فریدون و کاوس هر سه از کسانی هستند که فنا ناپذیرند و جاودانی خلق شده‌اند. و او برای آفریدگان اورمزد زندگی بی‌مرگ هفتصد ساله‌ئی بوجود آورد. چنانکه آنان بی‌زحمت و ترس و آسیب پیری زندگی میکردند (۴). او در دوران پادشاهی خود جانوران و آدمیان را حیات جاوید بخشید و مخلوقات دیگر یعنی آب و گیاه و خوردنیها را نیز از تباهی و فساد برکنار کرد. و جهانرا بخرمی گراتمان (= بهشت) گردانید.

و در روایت دیگر او ششصد و شانزده سال و سیزده روز این جهانرا از مرگ و پیری برکنار داشت و از آفریدگان اهورمزد آز و نیاز را دور کرد.

در منظومه حماسی «مهابهارت» یم شباهت بیشتری به ینیم در اوستا دارد (۵) او پهلوانی جاودانی و فنا ناپذیر است، و آدمیان را بوسیله مرگ بمسکن اجدادشان راهنمایی میکند و در حقیقت مرگ راه «یم» است.

۱- ص ۱۸۰ - پشته‌ها استاد پورداود.

۲- ص ۴۳۱ حماسه ایرانی در ایران باستان دکتر ذبیح‌الله صفا.

۳- ص ۴۳۵ حماسه سرائی در ایران.

۴- حماسه سرائی در ایران ۴۳۹-۴۳۸.

۵- پشته‌ها ج اول ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

ازین جا دو گونه بودن و تضادی که در اعیاد ملل هند و اروپائی گرفته می شود - تا اندازه می روشن میشود از جهتی در میان بعضی اقوام هند اروپائی مثل ایرانیان این جشن مبدأ شادی است و در بعضی دیگر مراسمی برای مردگان برقرار میشود - و در ایران هم در شب جمعه آخر سال باید بزیارت اهل قبور رفت. گرچه در اوستا یسک جا جمشید را «گناهکار» و جای دیگر او را نخستین کسی میدانند که با اهورمزدا سخن گفته و دین اهورائی زردشت باو سپرده شده - و بپرورش جهان پرداخته است.

بعضی او را مقدس شمرده اند و ساحت او را بری از هر گونه انحراف دانسته اند چنانکه در کلیات چهارچمن که در سنه ۱۳۷۲ هجری شمسی در بمبئی باهتمام موبد بهرام بیژن و موبد خداداد و موبد اردشیر ورستم پور بهرام. سروش تفتی در ۱۳۲۷ بطبع رسیده است در ذکر پایان جمشید آورده اند.

« روزی بخواص خود استخبار کرد که عقیدت بعضی از شما نسبت بما منحرف شده و اشباح (= حمایل وزینت) تنکر و شرارت و اشباه (= ماننده) موهومه و همی در خاطر راه داده اید چون حقتمالی مرا از شما جدا کند، شما را مدت مدید معذب دارد. چون با من بدی کنید هر آینه دین و حقوق و مساعی جمیله من که بر ذمه شما است از آن چندان مزاحمت بر شما مستولی شود که خلقی کثیر بقتل رسند و عنقریب جباری بر شما استیلا یابد پس مردم تصدیق واقعات نکردند تا آن سروده (= کلام و گفتار) از کتم پرده قضا بقضاء شهود آمد و جمعی که عقیدت و اخلاص نسبت با حضرت صافی داشتند درین باب اعجاز طلبیدند آنحضرت اشاره به ستونی از ستونهای ایوان نمود - تا بر تمام آنچه در حکمت ضحاک بعد انهدام جمشید روی داد مرایشان را استعمال کرد این موبدان در تجلیل جمشید تا آنجا کوشیده اند که او را پنجمبری مرسل و بلاعزل دانسته و شایعهی دعوی خدائی او را با حدیث نبوی «من رانی فقد رای الحق» هر که مرا ببیند خدای وادیده تاویل کرده اند و الله اعلم بالصواب» این موضوع مستلزم تحقیق بیشتر و تمارض اقوال شاهنامه و اوستا درباره جمشید و این بیان که نوعی نبوت برای جمشید اثبات می کند در خور تأمل است چون اگر بدقت نگریسته شود مانند اینست که ضحاک بصورت یک بالای عمومی آسمانی بر مردم حکومت کرد. و آسیب وجود او را مردم کشیدند نه جمشید. همانطوریکه مشهود است روایات درباره جمشید متضاد است بعضی او را سلیمان بن داود خوانده اند و این مقنع این اشتباه را رفع میکند و گوید: «و بیدانسان ایرانی و آنانرا که در علم بهره می نیست گمان برده اند که جم سلیمان پسرداود بوده و این خود اشتباهی است چه زمان بین این دو تن سه هزار سال فاصله داشت.»

بعضی از محققین این مسأله را طرح میکنند که آیا جمشید نظیر اورانوس یونانیان

۱- موجود در کاا بخانه نگارنده

۲- مثل از ص ۱۱۳ ترجمه از تاریخ ادبیات پرفسور ادوار براون جلد اول

است یاخیر (۱) و اورانوس (= Uranus) از خدایان یونانی و همان آسمان است که پسر و درغین حال شوهر زمین می باشد وی پدر زحل و سیکلوپها و تیمانیان را بکشت و همانها او را از تخت بزیر آوردند .

چنانکه اشاره شد از اساطیر و کتب مذهبی هند و اروپائی برمی آید که جم همان یم (= Yima) مذکور در اوستاست و جزء آخرین اسم که «شیده» است و اکثراً حذف میشود فقط عنوانی است. همانطوریکه خورشید نیز چنین است .

نام او در ادبیات سانسکریت یم و نام پدرش ویوسونت است و در مذهب ودائی نوعی از الوهیت است او موجودی است جاویدان و اکثراً در شمار خدایان نیست، ولی با آنها همسری و برابری دارد و در روشی مطلق آسمانی زندگی می کند. و بآدمیان زندگی دراز می بخشد و اگر آدمیان باوشیر چرب و پراز روغن هدیه کنند، او نیز بدیشان زندگی دراز میان جانوران خواهد بخشید یم در آسمان بآدمیان جایگاههای درخشان عطا می کند و در جشنها و خوشیها میان ایشان خواهد بود .

در مهابارت، یم (= جم) باشکوه و جلال بیشتری نشان داده شده چنانکه گذشت. در هر صورت او قهرمان مشترک ملل هند و اروپائی است که در پی ریزی مبنائی نژاد هند و ایرانی کوششهای بسیار کرده است. گرچه در گاتاها در یسنای ۳۲ فقره (۸) او یکی از گناهکاران یاد شده در هوم یشت فقرات ۳ و ۴ و ۵ از او به یم خشت (Yima Xshaëta) باشکوهترین کسی است که بر زمین پدیدار شد کسی که نگاه او چون نگرستن خورشید بود. کسی که در دوره شاهنشاهی آدمیان و جانوران از مرگ فارغ و آب و گیاه از خشکی برکنار و خوردنیها از کمی و کاستی دور بودند و در عهد او پسر و پدر هر دو ان چون جوان پانزده ساله بنظر می آمدند . یاد شده

این شاه جمشید خوب رمه (= هورمک) بگفته آبان یشت فقره ۲۵-۲۷ کسی است که بر فراز کوهی صداسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد. و از او خواست که بشاهی مطلق همه کشورها برسد. و بر دیوان و آدمیان و جادوان و جباران... چیرگی دهد و آن نیرو را خواست که از دیوان مال و سود و فراوانی و رمه و خشنودی و شکوه را برگیرد، و او صاحب آن خره یا فره ایزدی گشت که بر هفت کشور زمین و بر دیوان و آدمیان و جادوان و جباران و کادیان و کرپانان پادشاهی کرد.. و تاهنگامی که دروغ ننگت و اندیشه خود را بسختن نادرست و دوراز راستی نگردانید. - در هنگام پادشاهی خوردنیها زوال ناپذیر و جانوران و آدمیان جاودانی و آب و گیاه خشک ناشدنی بود و از سرما و گرما و پیری و مرگ و آزی که آفریده دیواست اثر نبود و آنگاه که اندیشه خود را بسختن نادرست و دوراز راستی

۱- ص ۴۳۵ از کتاب ایرانبان تألیف مایوس فونتین، (Marius Fontaine) طبع پاریس

۲- ص ۴۲۶ حماسه سرائی در ایران (از قطعات منتخبه ریگ ودا و اثر ودا و مهابارت ج ۲

نخستین بشر و نخستین شاه- کریستین س ۴-۱۱

متوجه ساخت. این فریا فره از اوچون مرغی دوری گزید و از ترس دشمنان ددریز زمین مخفی بود (۱) - و شاهنامه جشن نوروز را در روز نهایت این قدرت نشان داده است و روایات دیگر این روز را روز پیدایش انسان و بشر روی زمین شناخته اند. در هر صورت این جشن حکایت از يك تحول عظیم در طبیعت زندگی بشری میکند عجب است که راستی و درستی در زامیادیش و مثنوی جلال الدین محمد بلخی همزمان با وسعت رزق ذکر شده است.

از ادب پر نور گشته است این فلک	وز ادب معصوم و پاک آمد ملک
مآئده از آسمان در میرسد	بسی شرا و بیع بی گفت و شنید
در میان قوم موسی (ع) چند کس	بی ادب گفتند کو سیر و عدس
مآئده از آسمان شد منقطع	بعد از آن زان خوان نشد کس منتفع
.....
ابر بر نامد پی منع زکات	وز زنا افتد وبا اندر جهات

باز اینها هم حکایت از يك تحول عظیم روحی و ربط دقیق نیروهای باطنی انسان با جهان آفرینش بر طبق تعالیم ایرانی دارد. و رابطه پاکی و صفای باطن انسانرا با رشد نیروهای مادی و معنوی از نظر این تعلیم شکر ف میرساند طبق روایات مذکور در فوق در این دو جشن منظر وجود دارد یکی از جهت گهنبارها صورت پایان کار دارد چه جشن فروردین گهنبارششم است و درجهتی جنبه جشن آغازی در شروع سال گرفته شده است. و از جهت دیگری جشن خروج از زمستان و پای گذاردن بشاری های بهاری. - و حکایت از ترکیب چند رشته از حوادث و تمرکز آن در يك موقع می کند که اگر بدقت موشکافی شود عوامل گوناگونی را در آن میتوان جستجو کرد. ولی بزرگترین جنبه آن همان جنبه مبداء تحول عظیم و پیدایش بشری بودن و نشاط و شادی بهاری است که با آن قرین و همدم است و حکایت از حسن سلیقه مردم کشور عزیز ما و عمق ریشه های انسان دوستی آنان و استقلال معنوی و صفای روحی آنان در طول قرون متمادی مینماید. و امیدواریم بر همه مبارک و بر صفای باطن و کمالات معنوی ایشان که مبداء همگی خیرات و برکات است و بخواست ایزدمنان همواره افزوده شود و امیدوار است با تحقیق عمیق تر ازین نقطه اشتراک سنت ملل يك منبع صمیمیت و صفای جهانی درین جهان آشفته پدید آید. البته مناسک و مراسم نوروز و تحول آن در طول زمان و فراخنای مکان و شعرائی که وصف نوروز کرده اند و ارتباط آن مراسم با مراسم سایر ملل در هند و اروپا موضوع مقالات جداگانه خواهد بود.